

قاتل «بیتا» دختری که در باغ گوجه سبز به قتل رسیده بود ، اعدام شد

مردی که در جنایتی هولناک دختری خردسال به نام بیتا روحی را همراه با پدر و نامادریاش در باغ گوجه سبز حوالی ورامین به قتل رسانده بود به دار مجازات آویخته شد تا پرونده زندگیش برای همیشه بسته شود.

اردیبهشت سال ۹۸ رسیدگی به پرونده ناپدید شدن دختری هشت ساله به نام بیتا روحی و پدر و نامادری او با شکایت مادر بیتا روی میز ماموران پلیس ورامین قرار گرفت. بیتا روحی در حالی به قتل رسید که همراه پدر و نامادری خود به عنوان مهمان به باغ دوست پدرش رفته بودند. دوست پدر بیتا روحی بعد از مصرف مخدر شیشه به دلیل توهم ناشی از مصرف مواد مخدر تصور کرد که پدر بیتا روحی قصد آسیب زدن به او را دارد. به همین خاطر به پدر بیتا روحی حمله کرد و با ضربات چاقو او را به قتل رساند. قاتل برای اینکه راز جنایت هولناکش فاش نشود بعد از قتل پدر بیتا روحی، نامادری بیتا و سپس بیتا روحی را هم به قتل رساند. مادر بیتا روحی که چند سال قبل از پدر بیتا جدا شده بود و به دلیل مشکلات مالی حضانت دخترش را به پدرش سپرده بود، در اولین اظهارات خود به ماموران پلیس گفت: روز قبل از گم شدن بیتا، دخترم يك روز نزد من مانده بود و غروب آن روز قرار بود نزد پدر و نامادریاش برگردد. برای همین با نامادری بیتا به نام سحر در میدان کلاته ورامین قرار گذاشتم و بیتا را به او تحویل دادم.

بعد از آن دیگر از دخترم خبر نداشتم، تا اینکه صبح امروز مادربزرگ پدری بیتا با من تماس گرفت و گفت که با تماسهای بی پاسخ پدر بیتا به نام دانیال نگران آنها شده است. تا الان هم هیچ ردی از آنها در دست نیست.

در حالی که تلاش برای پیدا کردن ردی از بیتا و پدر و نامادریاش ادامه داشت، مادر بیتا هم حوالی همان نقطه‌ای را که آخرین بار بیتا را به نامادریاش تحویل داده بود، می‌گشت. در یکی از همان گشت‌زدن‌ها بود که مادر بیتا، ماشین دانیال روحی، پدر بیتا را پشت یکی از باغ‌های کلاته ورامین پیدا کرد. بعد در همان اطراف لباسهای بیتا را پخش و پلا شده روی تپه‌ها دید. ضبط و باند و مقداری دیگر

از لوازم يدكي ماشين باز شده بود و انگار سارق ميخواست با تكاندن لباسهاي بيتا مطمئن شود كه چيز با ارزشي بين لباسها پنهان نشده است. اما همه اينها صحنهسازي قاتل بود براي اينكه با جابهجا كردن ماشين دانيال روي جنايت سياه خود سرپوش بگذارد.

يك هفته بعد از گم شدن بيتا و دانيال و سحر، ماموران پليس با بررسي پرينت تماسهاي تلفن قربانيان متوجه شدند كه آخرين تماسهاي دانيال با يكي از دوستان خود برقرار شده بود. دوست دانيال به عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شد و در همان بازجوييهاي اول به قتل اعتراف كرد.

او در مورد شب حادثه گفت: آن شب دانيال و همسر و فرزندش در باغ گوجهسبز مهمان من بودند. من موادمخدر مصرف کرده بودم و کمی از حال طبيعي خودم خارج شده بودم. سر شب به خانه خودمان كه در همان نزديكي است، رفتم تا براي مهمانهايم غذا بياورم. وقتي به باغ برگشتم، دانيال در را به روي من باز كرد. همسرش و بيتا در اتاقك ته باغ بودند. وارد باغ كه شدم، دانيال ايستاد و در را پشت سر من بست. در همان حال خودم كه به خاطر مصرف شيشه حال طبيعي نداشتم، احساس كردم صداي پا پشت سرم نميشنوم. فكر ميكردم نكند دانيال به من مظنون شده است و بخواهد به من آسيبي برساند. همين ترس ناشي از مصرف مواد مخدر سبب شد كه يكدفعه با او درگير بشوم. حتي در آن درگيري دانيال گردن من را هم زخمي كرد، اما سرانجام سر او را به لبه جدول باغ كوبيدم و با ضربههاي چاقو او را از پا درآوردم. همسرش از صداي درگيري ما دم در باغ آمد. جيغ ميكشيد و من براي اينكه راز قتل دانيال فاش نشود، گلوي همسرش را هم بریدم. بعد صداي جيغ و گريه بيتا را شنيدم. انگار ترسيده بود. يك تکه آجر دستش گرفته بود و ايستاده بود و جيغ مي زد. آجر را از دستش گرفتم و براي اينكه صداي جيغ كشيدهنش خاموش شود، دهانش را گرفتم و تيزي را زير گلويش كشيدم. متهم در ادامه اعترافات خود گفت: بعد هر سه جسد را در همان باغ دفن كردم. بعد براي اينكه ماشين دانيال در اطراف باغ من كشف نشود و كسي به من مظنون نشود، با برادرم تماس گرفتم و گفتم ماشين را سرقت کرده ام. ماشين را به محلي ديگر منتقل كردم و با برادرم لوازم ماشين را باز كرديم. با اطلاعاتي كه متهم از جنايت هولناك خود در اختيار ماموران قرار داد، اجساد قربانيان بيگناه در باغ گوجه سبز كشف و پرونده براي رسيدگي به دادگاه كيفري يك استان تهران ارجاع شد.

متهم در دادگاه سعي مي كرد از پذيرش اتهام خود سر باز بزند و از حقيقت طفره مي رفت. او در دفاعيات خود سناريوي جديدي مطرح كرد و با دروغ پردازي گفت: دانيال و همسرش قصد سرقت اموال من را داشتند.

من در حالت توهم ناشی از مصرف مواد مخدر بودم و برای دفاع از خودم آنها را از پای درآوردم.

اما او نتوانست برای به قتل رساندن بیتا انگیزه‌ای جز خاموش ماندن راز جنایتش فاش کند و در سوال و جواب قاضی مشخص شد، مصرف مخدر او را در حدی از حال خود خارج نکرده بود که مسلوب‌الاراده باشد و اختیار اعمال خود را نداشته باشد.

به این ترتیب دفاعیات موهوم متهم موثر واقع نشد و قضات شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران، حکم سه بار قصاص را برای متهم صادر کردند.

حکم صادر شده در دیوان عالی کشور نیز مورد تایید قضات واقع شد و با ارجاع به واحد ارجاع احکام دادرسی ورامین، شمارش معکوس برای اعدام متهم آغاز شده است. اگرچه بارها مادر بیتا در صفحه مجازی خود اعلام کرد زمان گذشته و چرا اجرای حکم به وقفه افتاده است. مثلاً هشت ماه پیش بود که اجرای حکم به واحد اجرای احکام ارسال شد و هنوز مورد تایید نهایی برای اجرا قرار نگرفته بود که مادر بیتا در صفحه خود خبر تایید نهایی را برای اجرای قصاص اعلام کرد.